



Duties and Powers of the Prosecutor of the International Criminal Court

Abdolkarim Eskandari

PhD in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science,
Khatam al-Nabieen University
skandari12@gmail.com

Abstract

One of the important elements of the International Criminal Court is the prosecutor. The prosecutor is responsible for managing the prosecutor's affairs. The prosecutor has deputies and advisors with legal expertise related to various issues, especially sexual assault, gender-based violence, and child abuse. The prosecutor has important duties and powers at the investigation and prosecution stages and the trial stage that ensure and facilitate the International Criminal Court's access to its intended goals. The question is, in which situation can the prosecutor investigate and prosecute those accused of international crimes and exercise his duties and powers? The present article attempts to answer this question and examines it using a descriptive-analytical method. From the review of the Rome Statute and the documents related to the International Criminal Court, it is clear that by referring the situation of one or more international crimes by the member states or the United Nations Security Council to the Prosecutor of the International Criminal Court or considering the information received by the Prosecutor about the most heinous international crimes, he can collect information from reliable sources on the matter and conduct the necessary investigations and, if he finds reasonable and credible reasons in the field, request authorization from the Pre-Trial Chamber of the International Criminal

Court for a formal investigation and, with the approval of the Pre-Trial Chamber, exercise his powers in the pre-trial and post-trial stages.

Keywords: Prosecutor, International Criminal Court, investigation and prosecution, trial, referral of the situation.





وظایف و صلاحیت‌های سارنوال محکمه جزای بین الملل

عبدالکریم اسکندری*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۱۵

چکیده

از رکن‌های مهم دیوان جزای بین‌المللی، سارنوالی است. اداره امور سارنوالی به‌عهده سارنوال است. سارنوالی دارای معاونان و مشاورانی با تخصص حقوقی مربوط به مسائل مختلف به‌ویژه تجاوز جنسی، خشونت مبتنی بر جنسیت و تجاوز به اطفال است. سارنوال هم در مرحله تحقیق و تعقیب و هم در مرحله محاکمه دارای وظایف و صلاحیت‌های مهم است که دسترسی دیوان جزای بین‌الملل را به اهداف موردنظر تأمین و تسهیل می‌نماید. سؤال این است که سارنوال در کدام وضعیت می‌تواند متهمان به جرایم بین‌المللی را تحت تحقیق و تعقیب قرار داده و وظایف و صلاحیت‌های خود را اعمال نماید؟ مقاله حاضر تلاش برای پاسخیابی به این سؤال است و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی آن می‌پردازد. از بررسی اساسنامه رم و اسناد مرتبط با دیوان جزای بین‌الملل، به دست می‌آید که با ارجاع وضعیت یک یا چند تا از جنایات بین‌المللی از سوی دولت‌های عضو یا شورای امنیت سازمان ملل متحد به خارنوال محکمه جزای بین‌الملل یا با توجه به اطلاعات واصله به خارنوال در مورد فجیع‌ترین جنایات بین‌المللی، وی می‌تواند به جمع‌آوری اطلاعات از منابع معتبر در مورد پرداخته و تحقیقات لازم را انجام دهد و در صورتی که به دلایل معقول و معتبر در زمینه دسترسی پیدا نماید، از شعبه مقدماتی دیوان جزای بین‌الملل تقاضای مجوز تحقیقات رسمی را داشته و با تأیید شعبه مقدماتی صلاحیت‌های خود را در مرحله قبل از محاکمه و بعد از آن اعمال نماید.

واژگان کلیدی: سارنوال، دیوان جزای بین‌الملل، تحقیق و تعقیب، محاکمه، ارجاع وضعیت.

* دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، کدر علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خاتم النبیین (ص)

skandari12@gmail.com

محکمه کیفری بین‌المللی به موجب اساسنامه رم به منظور مقابله با بی مجازات ماندن اشخاص حقیقی تأسیس شد. اساسنامه دیوان جزای بین‌الملل، سارنوال دیوان را عهده‌دار تعقیب و تحقیق جرایم شامل در صلاحیت ذاتی دیوان کرده است (ماده ۱۵۵ اساسنامه) و بدین ترتیب، یکی از ارکان اصلی محکمه جزایی بین‌الملل خارنوالی است که در رأس آن، خارنوال و یک یا چند معاون به طور تمام وقت جهت پیشبرد تحقیقات و تعقیب امور جزایی، انجام وظیفه می‌نمایند. سارنوال و معاونان وی باید دارای ویژگی‌های والای اخلاقی و تجربیات گسترده در امر تعقیبات کیفری بوده و حداقل بر یکی از زبان‌های کاری دیوان جزای بین‌الملل (انگلیسی یا فرانسوی) تسلط کامل داشته باشند و نیز سارنوال می‌تواند مشاورانی را که دارای تخصص حقوقی لازم در زمینه‌های خاص مانند خشونت جنسی، و خشونت علیه اطفال می‌باشند و نیز کارکنان مورد نیاز سارنوال مانند مستنطقان و بازپرسانی را استخدام نماید.

دادستان با رأی اکثریت مطلق در مجمع دولت‌های عضو به طور مخفی برگزیده می‌شود؛ اما در مورد گزینش معاونان سارنوال دو طرز تفکر وجود داشت: بعضی از حقوقدانان نظر دادند که معاونان خارنوال باید از طریق رأی اکثریت مطلق در مجمع عمومی دولت‌های عضو گزینش شود که دلیل آنها، اهمیت نقش معاونان دادستان بود؛ زیرا معاونان می‌توانند کلیه اختیارات خارنوال به موجب اساسنامه را اعمال نمایند. پس باید این مهم با رأی اکثریت مطلق مجمع عمومی، گزینش شود. برخی دیگر ترجیح می‌دادند که گزینش معاونان باید از سوی شخص خارنوال صورت گیرد. دلیل این دسته، همان لزوم هماهنگی بودن خارنوال با معاونانشان می‌باشد؛ اما اساسنامه دیوان راه سومی را برگزیده است؛ به این ترتیب که معاونان، باید از میان فهرستی که توسط شخص دادستان ارائه می‌شود که مشتمل بر سه نامزد برای احراز هر پست معاونت سارنوالی است، با رأی اکثریت مطلق انتخاب شوند.

سارنوال و معاونان وی باید تبعه کشورهای مختلف باشند. انتخاب سارنوال و معاونان وی از سوی مجمع دول عضو به جای محکمه نمایانگر استقلال آن‌ها می‌باشد که بنا به تصریح اساسنامه نباید از منابع خارج از سارنوالی دستور بگیرند. آنان نباید به حرفه و شغل دیگری اشتغال داشته باشند که مخل وظایف یا موجب شبهه در استقلالشان شود. سارنوال و معاونان وی نباید در دوسیه‌ای که ممکن است بی‌طرفی آنان مورد تردید قرار گیرد، دخالت کنند؛

از جمله این موارد قضایایی است که آنان قبلاً در آن دوسیه، که در صلاحیت دیگری در دادگاه کیفری بین‌المللی یا محاکم داخلی دخالت کرده باشد، در این صورت هیئت‌رئیس می‌تواند به درخواست سارنوال یا هریک از معاونان او آن‌ها را از انجام وظیفه در دوسیه خاص معاف کند. به علاوه فرد مورد تحقیق یا تعقیب نیز می‌تواند درخواست اعلام عدم صلاحیت سارنوال یا معاون وی را از شعبه تجدیدنظر بنماید که در چنین حالتی سارنوال یا معاون مربوطه می‌تواند نظر خود را در این مورد به اطلاع شعبه تجدیدنظر برساند.

تحقیق پیش رو در مورد وظایف و صلاحیت‌های سارنوال است و تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که سارنوال محکمه جزای بین‌الملل در فرایند تعقیب عدلی دارای چه وظایف و صلاحیت‌هاست و اینکه این مقام در انجام وظایف خود، دارای چه اختیاراتی می‌باشد. با توجه به موضوع و عنوان انتخابی مقاله، سعی شده که مواد مرتبط با این موضوع در اساسنامه و همچنین، آیین دادرسی و ادله بررسی شود. پاسخ به این سؤال ایجاب می‌کند که وظایف و صلاحیت‌های سارنوال را براساس اساسنامه رم در دو مرحله تحقیقات مقدماتی و مرحله محاکمه بررسی کنیم.

الف) وظایف، صلاحیت‌ها و اختیارات سارنوال در مرحله تحقیقات

دفتر سارنوالی به‌عنوان یکی از ارکان مستقل دیوان کیفری بین‌المللی، مطابق ماده ۱۵ اساسنامه رم، وظایف و صلاحیت‌های مهمی را برعهده دارد. از بررسی وضعیت‌های ارجاع شده توسط کشورهای عضو و شورای امنیت گرفته تا دریافت اطلاعات واصله، وثاقت و بررسی آن، درخواست همکاری از دول عضو یا از ملل متحد، بررسی و ارزیابی وجود مبنای معقول برای آغاز تحقیقات و درخواست مجوز از شعبه مقدماتی و غیره. در این مرحله خارنوالی محکمه جزای بین‌الملل دارای وظایف و صلاحیت‌های متعدد است که در ادامه بیان می‌شود.

۱. بررسی وضعیت‌های ارجاع شده به سارنوال

بررسی موقعیت‌هایی که ارتکاب یک یا چند جرم مشمول صلاحیت دادگاه اتفاق افتاده که توسط دولت عضو یا شورای امنیت به سارنوال ارجاع شده است. ماده ۱۴ اساسنامه تصریح می‌کند که دولت عضو می‌تواند موضوعی را که ظاهراً در آن، یک جرم یا چندین جرم اتفاق افتاده به سارنوال ارجاع و درخواست تحقیق نماید. سارنوال موظف است موقعیت‌های



ارتکاب جرم را تحت بررسی قرار دهد. در جزء یک ماده ۴۲ اساسنامه می نویسد: «دفتر دادستان به عنوان نهادی مجزا از دادگاه، مستقلاً عمل خواهد کرد. این نهاد مسئول دریافت موارد ارجاع شده و هرگونه اطلاعات و مدارک اثبات دعوی درباره جرایمی است که در حوزه صلاحیت دادگاه قرار دارند و بررسی آن‌ها و انجام تحقیقات و پیگرد در برابر دادگاه را برعهده دارد. اعضای این دفتر نباید دنبال دریافت دستورالعمل از منابع خارجی یا عمل به موجب آن باشند». در جزء ۱ ماده ۵۳ پیش‌بینی شده است که دادستان پس از ارزیابی اطلاعاتی که در اختیار وی گذاشته شده است، تحقیقاتی را آغاز خواهد کرد، مگر آنکه تشخیص دهد که مطابق این اساسنامه، هیچ پایه و اساس معقولی برای دنبال کردن دوسیه وجود ندارد.

گفتنی است تاکنون موقعیت و وضعیت‌هایی از جنایات ارتکاب یافته تحت صلاحیت دیوان جزای بین‌الملل، به خارنوال گزارش شده است. سه عضو اساسنامه رم (جمهوری اوگاندا در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۳، جمهوری دموکراتیک کنگو در ۱۹ آوریل ۲۰۰۴ و جمهوری آفریقای مرکزی در ۶ جنوری ۲۰۰۵) وضعیت‌هایی را به دفتر سارنوال گزارش داده‌اند. همچنین در مارچ ۲۰۰۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد موضوع دارفور سودان را جهت بررسی به دفتر خارنوال ارجاع نمود و خارنوالی تصمیم گرفت تا درخصوص جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری اوگاندا و دارفور سودان تحقیقات خود را شروع نماید. «اختیار ارجاع شورای امنیت به دیوان را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که شورای امنیت براساس منشور ملل متحد وظیفه اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد و اصولاً نیز جرایمی که تحت صلاحیت دیوان قرار دارند در وضعیت‌هایی واقع می‌شوند که صلح و امنیت بین‌المللی تهدید یا نقض می‌شوند» (صابر، ۱۳۸۸: ۱۸۱). از میان چهار وضعیت ذکر شده غیر از وضعیت دارفور سودان، همه توسط کشورهای عضو مطرح شده‌اند. با توجه به اهمیت مطلب توضیح مختصری در مورد وضعیت‌ها ارائه می‌شود.

۱-۱. ارجاع وضعیت توسط اوگاندا

نخستین کشور عضو اساسنامه اوگاندا بود که وضعیت جنایت ارتکاب یافته را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داد. در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۳ رئیس‌جمهور این کشور تصمیم گرفت که از سارنوال دیوان تقاضا نماید تا درخصوص جنایات ارتکاب یافته در اوگاندا توسط فرماندهان شورشی ارتش مقاومت تحقیق نماید. به تعقیب این درخواست مذاکره بین سارنوال دیوان و

دولت اوگاندا صورت گرفت تا زمینه رسیدگی به ارتکاب جنایت در شمال اوگاندا فراهم آید. در این نشست مصوب شد که برای رسیدگی به این وضعیت و دستگیری متهمین اصلی (فرماندهان ارتش مقاومت) همکاری فعال بین‌المللی بین نهادهای بین‌المللی و مقاومت دولت اوگاندا ضروری است. پس از بررسی و تحقیق اولیه توسط سارنوال دیوان، وی به این جمع‌بندی رسید که مبنای معقولی برای شروع به تعقیب و تحقیق رسمی در ارتباط با جنایات ارتكابی در شمال اوگاندا وجود دارد. خارنوال وفق ماده ۱۸ این وضعیت را به کشورهای عضو اساسنامه و سایر کشورهای مرتبط اعلام نمود.^۱ در جریان رسیدگی به این وضعیت نخستین قرار بازداشت‌ها در تاریخ دیوان کیفری بین‌المللی در مورد پنج تن از سران ارتش مقاومت اوگاندا صادر شد. اتهامات طرح شده در این وضعیت عبارت بودند از: قتل، تجاوز، برده‌گیری جنسی، برده‌گیری و استفاده جنسی از کودکان در مخاصمه مسلحانه.^۲

۱-۲. ارجاع وضعیت توسط جمهوری دموکراتیک کنگو

کشور کنگو در سال ۲۰۰۴ طی یک درخواستی کلی از سارنوال دیوان خواست تا در خصوص تمامی جنایات احتمالی ارتکاب یافته در آن سرزمین تحقیق نماید. درواقع، این امر به تعقیب هشدار خارنوال دیوان بود که در تابستان ۲۰۰۳ اعلام کرده بود که قصد دارد درخصوص جنایات ارتكابی در ایتوری (ITURI) (شرق کنگو) تحقیقاتی را آغاز نماید. همچنین خارنوال دیوان پس از دریافت گزارش‌هایی از سازمان‌های دولتی و غیردولتی در سال ۲۰۰۳، اعلام نمود که براساس اختیارات ذاتی خود قصد دارد از شعبه مقدماتی دیوان بخواهد که مجوز تحقیق را صادر نماید؛ زیرا خارنوال به این نتیجه رسیده است که تحقیق در راستای جنایات ارتكاب یافته در کنگو تأمین‌کننده عدالت و حقوق بنیادین بشر است (صابر، ۱۳۸۸: ۱۸۴).

۱-۳. ارجاع وضعیت توسط جمهوری افریقای جنوبی

سومین وضعیت نیز توسط یک کشور افریقایی به خارنوال دیوان ارجاع شده است. در جنوری ۲۰۰۵ خارنوال دیوان مکتوبی را از جانب جمهوری افریقای مرکزی دریافت نمود که براساس

^۱ . [http:// www.icc - cpi .int / Pressrelease .details &id =33&l= en .html](http://www.icc - cpi .int / Pressrelease .details &id =33&l= en .html)

^۲ . Statement by the chief prosecutor on the Uganda arrest warrants, The Hague, 14 October , 2005, available at: www .icc - cpi .int.



آن رسیدگی به وضعیت جنایات ارتکاب یافته در محدوده سرزمین افریقای جنوبی را درخواست نموده بود. خارنوال دیوان وضعیت موجود را از حیث شدت و نیز صلاحیت دیوان بررسی کرد.^۱

۴-۱. ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت

شورای امنیت براساس فصل هفتم منشور ملل متحد، اگر وضعیتی را به عنوان «تهدید علیه صلح و امنیت بین الملل» ارزیابی کند، می تواند از خارنوال دیوان بخواهد تحقیقات در مورد آن را آغاز کند. به عنوان مثال، در قضیه دارفور، شورای امنیت با صدور قطعنامه ۱۵۹۳ به تاریخ ۳۱ ماه مه سال ۲۰۰۵ میلادی از دادستان خواست که به جنایات ارتكابی در سودان رسیدگی کند. همین وضعیت بود که سرانجام به صدور دستور بازداشت سه تن از مسئولان بلندپایه سودان از جمله عمر البشیر، رئیس جمهوری انجامید. بحران دارفور از فبروری ۲۰۰۳ آغاز شد هنگامی که دو گروه شورشی (ارتش آزادیبخش سودان و جنبش عدالت و برابری)، به تأسیسات دولتی حمله نمودند. ارتش آزادیبخش سودان و جنبش عدالت، حکومت عربی سودان را متهم نمودند که با تبعیض به نفع عرب ها افریقای های سیاه پوست را مورد ظلم و ستم قرار می دهد. خارطوم با ترتیب دادن حملات هوایی علیه افراد غیر نظامی که شورشیان از میان آن ها برخاسته بودند به این امر عکس العمل نشان داد. به دنبال بمباران هوایی، عملیات نظامی زمینی نیز با استخدام قبایل عربی تشکیل یافته در قالب گروه شبه نظامی «جان جاوید» صورت پذیرفت و طی این عملیات ها نقض مکرر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین المللی اتفاق افتاد. شورای امنیت از دبیرکل ملل متحد خواست سریعاً یک کمیسیون تحقیق بین المللی راجع به جنایات ارتكابی در دارفور تشکیل دهد. کمیسیون از پنج کارشناس بین المللی تشکیل شد و با بررسی هایی که انجام داد، گزارش داد که جنایات علیه بشریت ارتكاب یافته است و پس از این گزارش، شورای امنیت وضعیت دارفور را به خارنوال دیوان ارجاع نمود و خارنوال تحقیقات وسیعی را آغاز نمود و نهایتاً دستور جلب احمد هارون وزیر وقت کشور سودان، علی قشیب فرمانده شبه نظامیان و عمر البشیر رئیس جمهور سودان را صادر نمود (زکوی و بابایی، ۱۳۹۴: ۸۲).

^۱ . <http://www.Icc-cpi.int/pressrelease.details&id=8781=en.Html>

۵-۱. ارجاع وضعیت در سال‌های اخیر

وضعیت‌های دیگری که به خارنوالی دیوان ارجاع شده عبارت‌اند از: جمهوری کنیا، جماهیر عربی لیبی و جمهوری ساحل عاج^۱. همچنین وضعیت‌هایی از ارتکاب جنایات بین‌المللی که در سال‌های اخیر به خارنوالی دیوان ارجاع شده یا به ابتکار خود خارنوالی انجام یافته است، عبارت‌اند از: گزارش‌های تحلیلی مقدماتی میان سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ در مورد افغانستان. براساس معلومات قابل‌دسترس در منابع عمومی و ۱۱۲ مورد ارتباط مستقیم میان دفتر خارنوالی محکمه با قربانیان و سایر افراد و نهادها، این دفتر شدت و گستردگی جرایم بین‌المللی ارتکاب یافته در افغانستان را تأیید کرده است. براساس گزارش‌های دفتر سارنوالی محکمه، جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت در قلمرو افغانستان بعد از ۱۱ ثور ۱۳۸۲ ارتکاب یافته است. دفتر خارنوالی محکمه با تلاش‌های زیاد و از طریق منابع متعدد، اطلاعات مهمی را در مورد وقوع جنایات بین‌المللی و گستردگی آن جمع‌آوری نموده و به محکمه مقدماتی دیوان جهت اخذ مجوز تحقیقات لازم ارائه نمود و خاطرنشان کرد که این جرایم به‌گونه‌ای جدی و گسترده ارتکاب یافته است و حکومت افغانستان نیز علاقمندی و توانایی رسیدگی به آن‌ها را ندارد. آخرین مورد از ارجاع وضعیت به دفتر خارنوالی جهت تحقیقات لازم، دوسیه جنایات بین‌المللی ارتکاب یافته در سال ۱۴۰۳ در غزه توسط رژیم اسرائیل است که از سوی کشورهای آفریقایی مطرح شده و با توجه به مستندات و دلایل معقول و کافی مجوز رسمی برای تحقیق و تعقیب از سوی محکمه مقدماتی دیوان صادر و ناتیا هو و رئیس ارتش اسرائیل متهم به جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت شناخته شدند.

ب) تحلیل و ارزیابی اطلاعات رسیده

خارنوال مستقیماً یا با توجه به اطلاعات رسیده، تحقیقات و بررسی‌های اولیه نسبت به صحت و سقم اطلاعات و در نتیجه قضیه را به عمل می‌آورد. مطابق ماده ۱۵ اساسنامه سارنوال وظیفه دارد اطلاعات رسیده را بررسی و تحلیل نماید و در این راستا جهت کسب اطلاعات بیشتر از دولت‌ها، سازمان ملل، سازمان‌های بین‌الدولی، یا غیردولتی و سایر منابع قابل اعتماد و اخذ شهادت کتبی یا شفاهی در مقر محکمه کمک صورت گیرد. منابع اطلاعات موردنظر

^۱ . <http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC/Situations+and+cases/Situations>

جنبه تمثیلی داشته و به هیچ وجه جنبه حصری ندارد. تشخیص صحت و درستی این منابع در صلاحیت خارنوال است. بنابراین، از این حیث هیچ تفاوت و ترجیحی بین اطلاعات تکمیلی و اضافی رسیده از ناحیه دولت‌ها و سازمان‌ها ندارد و همه آن‌ها به صورت یکسان و مشابه می‌تواند مورد استفاده خارنوال قرار گیرد. البته گفتنی است که خارنوال دیوان نمی‌تواند رأساً تحقیقات نسبت به دولت غیر عضو آغاز نماید، مگر اینکه اتباع دول عضو، مظنون به ارتکاب جنایات مندرج در اساسنامه در سرزمین دولت غیر عضو شوند.

ج) اخذ مجوز انجام تحقیقات از سوی شعبه مقدماتی

هرگاه سارنوال به این نتیجه برسد که مبنای مستدلی برای پرداختن به تحقیقات وجود دارد، باید درخواست خود را همراه با ضمیمه کلیه اسناد و مدارک تأییدکننده، که جمع‌آوری کرده است، برای گرفتن مجوز تحقیق به شعبه مقدماتی ارسال نماید. در صورتی که شعبه مقدماتی براساس بررسی درخواست و اسناد ضمیمه ملاحظه نماید که مبنای مستدلی برای تحقیق وجود دارد و موضوع در صلاحیت دیوان است، باید اجازه شروع تحقیق را صادر نماید؛ زیرا اختیار تعقیب در نظام محاکماتی دیوان کیفری بین‌المللی امری مشترک بین خارنوال و شعبه مقدماتی است؛^۱ به این معنا که از یک طرف مقام سارنوالی به عنوان رکنی مستقل از دیوان در عملکرد خود مستقل است^۲ و از طرف دیگر، تقریباً تمامی تصمیمات سارنوال برای آغاز، ادامه و توقف تحقیق یا تعقیب تحت نظارت قضایی شعبه مقدماتی متشکل از سه قاضی است. حتی احضار، جلب و توقیف از سوی خارنوال تحت نظارت این شعبه است.^۳

همچنین، در خاتمه تحقیقات مقدماتی، قبل از صدور اتهام‌نامه، شعبه مقدماتی در یک رسیدگی کاملاً توافقی با حضور متهم، وکیل مدافع و خارنوال، اتهامات را از نظر کفایت دلایل و شواهد اثباتی بررسی می‌کند و چه بسا اتهامات مدنظر خارنوال جرح و تعدیل یا اصلاح شود^۴ (شبث، ۱۳۸۴: ۱۴۹). سارنوال باید از مهارت لازم در اعمال صلاحدید خویش برخوردار باشد؛ زیرا ناگزیر از گفتگو با قضات، وکلای مدافع، شاهدان و بزه‌دیدگانی از نظام‌های حقوقی

۱. ماده ۶۱ (۷) اساسنامه.

۲. ماده ۴۲ اساسنامه

۳. ماده ۵۸ اساسنامه.

۴. ماده ۶۱ (۵) اساسنامه

مختلف است. در نهایت، به دلیل اقتضاء قضایی، دادستان باید توانایی پالایش پرونده‌ها و شناسایی متهم همراه با ادله کافی و بدون قربانی کردن عدالت را داشته باشد. وی می‌تواند متهمان، شهود و قربانیان را مورد بازجویی قرار داده و نسبت به انجام تحقیقات و معاینات محلی اقدام کند و در راستای اجرای وظایفش از مسئولان دولت‌های دخیل کمک بگیرد.

د) محرمانگی اطلاعات و حمایت از شهود

یکی از وظایف دیگر سارنوال، انجام اقدامات لازم برای حفظ محرمانه بودن اطلاعات و حمایت از شهود است و نیز انجام تحقیقات به وسیله بازجویی از اشخاص مظنون و قربانیان یا شهود و نیز جمع‌آوری و بررسی مدارک، انجام تحقیقات در قلمرو یک دولت با رضایت یا بدون رضایت آن. معمولاً سارنوال موظف است که شهرت شاهدان علیه متهم را افشاء و اطلاعات نسبت به شهود و مدارک اثباتیه جرمی را در اختیار متهم و یا وکیل مدافع وی قرار دهد تا اقدامات لازم و متناسب را نسبت به جرح و تعدیل شهود و تنظیم لایحه دفاع اتخاذ نماید. ماده ۷۶ اساسنامه می‌نویسد: سارنوال باید اسم شهودی را که قصد دارد آنان را به دادگاه دعوت کند و رونوشتی از هرگونه اظهارات سابق آنان را در اختیار متهم قرار دهد. همین مسئله باید در رابطه با شهودی که بعداً برای ادله شهادت دعوت می‌شوند، انجام گیرد؛ اما باید توجه داشت که افشای اطلاعات در مورد شهود و سایر ادله از سوی دادستان محدود است و در مواردی که شاهدان قضیه یا قربانیان جنایت بین‌المللی در معرض خطر قرار می‌گیرند، لازم است که خارنوال دیوان تدابیر حمایتی نسبت به شهود، قربانیان و محرمانگی اطلاعات اخذ نماید. جزء ۵ ماده ۶۱ اساسنامه دیوان در این مورد می‌نویسد: «اگر به موجب این اساسنامه افشاء شواهد یا اطلاعات موجب به مخاطره انداختن جدی امنیت یکی از شهود و یا خانواده وی گردد، دادستان می‌تواند برای هر یک از مراحل دادرسی پیش از شروع محاکمه، چنین شواهد یا اطلاعاتی را محرمانه نگه داشته و در عوض خلاصه‌ای از آن را تحویل دهد. اما این گونه اقدامات باید به طریقی انجام شوند که مغایر با حقوق متهم و محاکمه عادلانه و بیطرفانه نبوده و سبب تضییع حق متهم نشود». در جزء ۶ ماده ذکر شده این حق برای تمامی کشورها پیش‌بینی شده است: «هر کشوری می‌تواند در ارتباط با محافظت از کارکنان و عوامل خود و نیز حفظ اطلاعات محرمانه یا حساس، انجام اقدامات لازم را درخواست نماید». در بند هـ از ماده ۵۴ اساسنامه رم پیش‌بینی شده است که خارنوال می‌تواند با کشورها و یا قربانیان جرایم



توافق نماید که در هیچ‌یک از مراحل دادرسی، اسناد و اطلاعاتی را که دادستان به شرط محرمانه بودن، به دست می‌آورد و صرفاً به منظور ارائه شواهد جدید می‌باشند، فاش ننماید، مگر آنکه رضایت تهیه‌کننده این اطلاعات حاصل شود و به منظور تضمین محرمانه ماندن اطلاعات، حفظ هریک از افراد یا محفوظ ماندن اسناد و مدارک، اقدامات ضروری را انجام دهد یا درخواست نماید که اقدامات ضروری انجام شوند.

ه) صدور اتهام نامه

در صورتی که سارنوال بعد از انجام تحقیقات و بازجویی‌ها به این نتیجه برسد و قانع شود که احتمال معقولی مبنی بر ارتکاب جرم توسط شخص مظنون وجود دارد، وی باید نسبت به صدور اتهام‌نامه اقدام نماید. اتهام‌نامه مشتمل بر نام و مشخصات متهم یا متهمان، شرح دعوا و جرم یا جرایم مورد اتهام باشد. در صورت تأیید شدن اتهام‌نامه توسط قضات شعبه مقدماتی سارنوال می‌تواند صدور قرار توقیف متهم را از قاضی مطالبه نماید. این قرار توأم با یک نسخه از اتهام‌نامه و شرحی از حقوق متهم می‌باشد. قرار توسط منشی به مقامات دولتی که متهم در آن جا سکونت دارد یا دولتی ابلاغ می‌شود که متهم را تحت کنترل دارد. دولت مذکور باید متهم را دستگیر نموده و ترتیب انتقال متهم را به مقر دیوان بدهد. پس از دستگیری و انتقال متهم، وی را باید بدون تأخیر در محضر محکمه حاضر نماید (صادقی، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

و) وظایف و صلاحیت‌های سارنوال در مرحله محاکمه

سارنوال دیوان جزای بین‌الملل در این مرحله، درباره تعیین مسئولیت مرتکب، کیفیت دلایل اثباتی، نوع و میزان مجازات‌ها یا اقدامات تأمینی و تربیتی و تناسب آن با شخصیت مجرم تصمیم‌گیری می‌کنند. برخی از حقوق‌دانان جزا معتقدند که این مرحله مهم‌ترین مرحله دادرسی‌های جزایی است. بعضی را عقیده بر آن است که دادرسی‌های جزایی به مفهوم واقعی در محکمه صورت می‌گیرد، بقیه مراحل مانند کشف جرم، تحقیق و تعقیب، نباید دادرسی شمرده شوند؛ زیرا اجرائیاتی است که توسط پولیس و سارنوال به منظور تسهیل جلسه محاکماتی صورت می‌گیرد. جمع‌آوری دلایل و جلوگیری از مزایا و یا مخفی شدن متهم و یا تعقیب بزه‌کار و حتی اجرای کیفر نیز می‌تواند از مصادیق دادرسی به شمار آید. در نتیجه پیشنهاد می‌کنند که دادرسی‌های جزایی در دو مفهوم کاربرد داشته باشد: مفهوم عام و مفهوم خاص.

در مفهوم عام اصول محاکمات شامل کلیه مراحل پنج گانه دادرسی های جزایی است که شامل مراحل کشف، تحقیقات، تعقیب، محاکمه و اجرا می باشد. در مفهوم خاص، اصول محاکماتی جزایی تنها شامل تشریفاتی می باشد که از طرف محاکم جزایی در مقام رسیدگی جرم، از زمان بعد از صدور اتهام نامه تا صدور حکم قطعی به موقع اجرا گذاشته می شود (آخوندی، ۱۳۷۹: ۴۷). گفتنی است در دیوان کیفری بین المللی دو نوع محاکمه برگزار می شود: یکی رسیدگی و محاکمه متهم با حضور سارنوال در شعبه مقدماتی و دیگری رسیدگی و محاکمه متهم در محکمه بدوی می باشد. با این تفاوت که شعبه مقدماتی فقط برای تأیید یا عدم تأیید اتهامات برگزار می شود یا به عبارت دیگر قرارهای نهایی صادر می کند؛ اما محکمه بدوی افزون بر قرارهای نهایی، رأی صادر می نماید و مجازات برای متهم در صورت مجرم بودن در نظر می گیرد. در این بخش به مهم ترین وظایف و صلاحیت های خارنوالی با توجه به اساسنامه رم پرداخته می شود.

۱. حضور سارنوال در محکمه و دفاع از اتهام نامه

مطابق ماده ۶۱ اساسنامه دیوان جزای بین الملل، سارنوال پس از ختم تحقیقات، اتهام نامه خود را که حاوی شرح اتهامات، حقایق و جرایم منتسب به فرد مظنون است تسلیم محکمه مقدماتی می نماید و از این رو، جلسات محاکم جزایی باید با حضور سارنوال تشکیل یابد؛ زیرا سارنوال مدعی دعوی عمومی است و همین ویژگی ایجاب می کند که در محکمه حاضر و از خواسته جامعه و اتهام نامه خود دفاع کند و با اظهار نظر منطقی و اصولی خود دعوی جزایی را در جهت حسن اجرای قوانین و احقاق حق و تثبیت عدالت سوق دهد.

مطابق بند یک ماده ۴۲ اساسنامه، دفاع از اتهام نامه (کیفرخواست) در مقابل دادگاه برعهده خارنوال است (صابر، ۱۳۸۸: ۱۶۵). خارنوال از اعضای دیوان محسوب می شود و نقش او نه تنها دفاع از اتهام نامه، بلکه کشف حقیقت و اجرای عدالت است (اردبیلی، ۱۳۸۷: ۴۷). بنابراین، حضور خارنوال در محاکمه ضروری می باشد. به همین دلیل در اساسنامه دیوان ماده ۶۷ بند ۱ قسمت ط می نویسد: هیچ گونه تکلیف متقابلی جهت اثبات ادله یا تکلیف در رد آن ها بر متهم تحمیل نمی شود و همچنین صرف نظر از اینکه مطابق ماده ۶۶ اساسنامه دیوان اصل بر بی گناهی اشخاص (اصل برائت) است، لیکن در بند ۲ ماده اخیر آمده است که: اثبات مجرمیت برعهده خارنوال است. از نظر دانشمندان حقوق جزا هیچ



دادگاه کیفری نباید بدون حضور دادستان تشکیل شود و جرمی را مورد رسیدگی قرار دهد؛ زیرا شرکت سارنوال یا نماینده او در محاکم جزای فلسفه مهمی دارد و نادیده گرفتن آن خطاست. پس از تأیید اتهامات از سوی شعبه مقدماتی، مطابق ماده، ۶۱ هیئت رئیسه باید دوسیه را جهت رسیدگی به مراحل بعدی به محکمه بدوی ارجاع دهد (آقایی، ۱۳۸۷: ۲۶۲). در ماده ۶۶ (۲) می‌نویسد: بار اثبات مجرمیت به عهده سارنوال است. این موضوع را اثبات می‌کند که حضور سارنوال در محکمه الزامی می‌باشد؛ زیرا این دادستان است که بار اثبات مجرمیت بر عهده اوست و از همه مهم تر اینکه این امر به صراحت جزء وظایف و اختیارات دادستان کیفری بین‌المللی محسوب شده است.

۲. تقاضای تجدیدنظرخواهی

یکی از وظایف سارنوال دیوان، تجدیدنظرخواهی در مورد رأی برائت یا میزان مجازات تعیین شده از سوی شعبه بدوی و پاسخگویی به تجدیدنظرخواهی شخص محکوم علیه است. ماده ۸۱ اساسنامه صراحت دارد که دادستان به جهات اشکالات شکلی، اشتباهات موضوعی، اشتباهات حکمی، اشتباهات در مراحل دادرسی و قوانین می‌تواند تجدیدنظرخواهی نماید. فقره (۱) ماده ۳۲ اساسنامه دیوان کیفری اشتباه موضوعی را تنها زمانی به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری می‌شناسد که عنصر روانی (معنوی) مورد نیاز برای جرم را نفی کند.^۱

اشتباه موضوعی باید صادقانه و معقول باشد و براساس شرایط حاکم در زمان ارتکاب جرم ایجاد شده باشد. یکی از فضااحت‌بارترین مورد از اشتباه موضوعی، قضیه بمباران سفارت جمهوری خلق چین در بلغراد در اوج بحران کوزوو در ۱۹۱۹ از سوی ناتو بود. طیاره‌های ناتو، هدف را اشتباهی گرفته بودند. دادستان دیوان یوگوسلاوی سابق کمیته را مأمور کرد تا درباره دلایل و اتهامات مربوط به جنایت در صلاحیت دیوان، که ادعا می‌شد از سوی اشخاصی که در عملیات بمباران ناتو علیه جمهوری فدرال یوگوسلاوی شرکت داشتند، ارتکاب یافته بود،

^۱ عنصر معنوی جرم «۱». جز در مواردی که به نحو دیگر مقرر شده باشد، هیچ کس دارای مسئولیت کیفری نیست و نمی‌تواند به دلیل ارتکاب یکی از جرایم که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دیوان است، مجازات شود، مگر اینکه عنصر مادی جرم همراه با قصد و علم نیز باشد. ۲. مطابق این ماده، وجود قصد مفروض است موقعی که شخص: الف) نسبت به اصل عمل، قصد ارتکاب آن را دارد؛ ب) نسبت به نتیجه‌ای از عمل، قصد ایجاد نتیجه را داشته باشد یا آگاه باشد که این نتیجه در مسیر طبیعی حوادث پیش خواهد آمد» (ماده ۳۰ اساسنامه دیوان).

بررسی‌های لازم را انجام دهند. کمیته یادشده توصیه کرد هیچ اقدامی علیه خدمه پرواز موردنظر صورت نگیرد؛ زیرا آن‌ها هدف را اشتباه گرفته بودند یا همچنین رهبران ارشد ناتو؛ زیرا از سوی مقامات آژانس دیگری اطلاعات غلطی به آن‌ها داده شده بود (کریانگ چایساری، ۱۳۸۷: ۳۱۲).

ماده ۳۲ اساسنامه در مورد اشتباه در حکم و اشتباه در موضوع چنین صراحت دارد: «۱. اشتباه در موضوع موجب معافیت از مسئولیت کیفری نیست، مگر اینکه عنصر معنوی جرم را از بین ببرد؛ ۲. اشتباه در حکم به این معنا که آیا یک نوع عمل به خصوص، جرم مربوط به صلاحیت دیوان است، موجب عدم مسئولیت کیفری نیست. باوجوداین، اشتباه در حکم می‌تواند به‌عنوان موجب عدم مسئولیت کیفری تلقی شود؛ مشروط بر اینکه سبب از بین رفتن عنصر معنوی جرم شده یا مشمول مقرراتی باشد که در ماده ۳۳ (اساسنامه) آمده است». ماده ۳۲ (۲) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی دو مورد را پیش‌بینی کرده است که اشتباه حکمی رافع مسئولیت کیفری به شمار می‌رود: وقتی که عنصر روانی مورد نیاز جرم را نفی می‌کند یا هنگام که شرط مذکور در ماده ۳۲ در مورد دستور مقامات مافوق و تجویز قانونی را محقق می‌کند که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم (کریانگ چایساری، ۱۳۸۳: ۳۱۳).

۳. تقاضای مجازات مناسب

مطابق بند ۲ ماده ۷۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از جمله اختیارات دیگر سارنوال تقاضای وی برای تشکیل جلسه‌ای به‌منظور تعیین مجازات برای متهم می‌باشد. در صورت احراز مجرمیت متهم، شعبه بدوی باید مجازات مناسب را تعیین کند. در انجام این امر، اساسنامه از شعبه بدوی می‌خواهد تا ادله جمع‌آوری‌شده توسط سارنوال را در جریان محاکمه که مرتبط با مجازات هستند در نظر بگیرد. سارنوال به‌عنوان مدعی‌العموم ملزم است تمامی دلایل (اعم از دلایل که به ضرر متهم است و یا دلایل که به نفع وی منتهی می‌شود) را جمع‌آوری نماید. عوامل مخففه و مشدده مربوط به ارتکاب جرم نقش‌سازنده در تعیین مجازات و حتی بی‌گناهی یا مجرمیت دارد (شبت، ۱۳۸۴: ۱۷۱-۱۷۰). در جزء یک بند الف ماده ۵۴ اساسنامه رم درج شده است: «به‌منظور کشف حقیقت، دامنه تحقیقات را تا حدی گسترش دهد که کلیه حقایق و شواهد را برای ارزیابی اینکه آیا مطابق این اساسنامه مسئولیت

کیفری وجود دارد یا خیر، دربرگیرد و در انجام این کار، وی باید شرایطی که منجر به گناهکار دانستن و تبرئه کردن شخص می‌شود را هم به همان اندازه مدنظر قرار دهد».

۴. جمع‌آوری دلایل

جمع‌آوری ادله اثباتی همواره از مشکل‌ترین وظایف مقام تعقیب است. این امر به‌ویژه در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است؛ زیرا در این دادرسی‌ها اصولاً دلایل در کشورهایی بسیار دورتر از مقر دیوان قرار دارند و دسترسی به آن‌ها مستلزم همکاری و معاضدت بین‌المللی و همچنین، همکاری کشور محل ارتکاب جنایت است. جمع‌آوری دلیل از وظایف مقام تحقیق است که باید در بررسی‌های خود دلایل را اعم از آنکه به نفع متهم باشند و یا به ضرر او جمع‌آوری نماید. در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، همان‌گونه که گفته شد، این وظیفه برعهده دادستان دیوان قرار گرفته است. به‌طورکلی، در امور کیفری، دلیل به دو منظور استفاده می‌شود. اول، برای اثبات وقوع فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات و یا تدبیر دیگری منظور شده است و در مرحله دوم، برای انتساب آن فعل یا ترک فعل به متهم است. بنابراین، مقام تعقیب مکلف به اثبات عناصر سه‌گانه جرم است (آشوری، ۱۳۷۹: ۵۰). در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی نیز وضعیت به همین گونه است؛ یعنی خارنوال، هریک از دلایل اعم از اقرار، شهادت شهود، گزارش کمیته‌های حقیقت‌یاب و... را با توجه به اثری مورد استناد قرار می‌دهد که در اثبات وقوع جرم عناصر آن را دارند (زکوی، ۱۳۹۵: ۱۳).

۵. حفظ بی‌طرفی

یکی دیگر از شروطی که همواره در اسناد حقوق بشری ازجمله در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد پیش‌گفته تأکید می‌شود بی‌طرفی سارنوالی و دادگاه است. بی‌طرفی معیاری است که هم ناظر به قضات رسیدگی‌کننده می‌باشد و هم خارنوال و سایر اشخاص دخیل در امر تعقیب، تحقیق و رسیدگی آن را رعایت نماید. ازاین‌رو، می‌توان گفت: استقلال خارنوالی یکی از پیش‌شرط‌های بی‌طرفی آن است. بی‌طرفی به معنای جانبداری نکردن از شخص یا چیزی مانند عقیده، رأی یا حکم خاصی است. در رسیدگی‌های قضایی نیز همین منظور مراد است؛ به‌گونه‌ای که مقام قضایی باید بدون پیش‌داوری، غرض‌ورزی و

جانب‌داری از یک تفکر خاص رسیدگی خود را انجام دهد. براساس بند ۷ ماده ۴۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، سارنوال و معاونان وی نمی‌توانند در حل و فصل موضوعی شرکت نمایند که در آن بی‌طرفی آن‌ها به نحو معقول و به هر دلیلی ممکن است مورد تردید واقع شود. مطابق این بند، در صورتی که آن‌ها قبلاً در هر سمتی در برابر دادگاه در پرونده‌ای درگیر بوده یا در پرونده‌ای جنایی مربوط به این پرونده در سطح کشوری شرکت داشته‌اند که به شخص مورد تحقیق یا دادرسی مربوط می‌شود، صلاحیت ایشان نسبت به این پرونده سلب خواهد شد. مطابق جزء الف ماده یادشده شخصی که مورد تحقیق یا دادرسی قرار گرفته است، می‌تواند در هر زمان و بنا به دلایلی که در این ماده ذکر شده درخواست سلب صلاحیت از دادستان یا معاون وی نماید. خارنوال و معاونان ایشان با توجه به جمیع جهات و پس از ارزیابی منصفانه از دلایل و مدارک طرفین و تحقیقات صورت گرفته تصمیم خود را در مورد تعقیب و صدور اتهام‌نامه اتخاذ می‌نماید.

نتیجه‌گیری

یکی از ارکان مهم دیوان جزای بین‌الملل، سارنوالی است که هم در مرحله قبل از محاکمه و هم بعد از آن دارای وظایف و صلاحیت‌هایی است که در تأمین عدالت جزایی و رعایت حقوق متهمان و قربانیان جرایم بین‌المللی نقش مهمی را ایفا می‌کند. بررسی وضعیت‌های ارجاع‌شده توسط شورای امنیت و یا دولت‌های عضو در مورد یک و یا چندین جنایت بین‌المللی، ابتکار خارنوال در تحقیق و تعقیب مجرمان بین‌المللی، حضور در محکمه و چگونگی دفاع از اتهام‌نامه، تعیین مجازات متناسب، جمع‌آوری و ارزیابی دلایل، تقاضای تجدیدنظر در موارد خاص، رعایت بی‌طرفی و... از اختیارات ذاتی خارنوالی است. در مجموع موفقیت محکمه جزای بین‌الملل در تعقیب مجرمان خطرناک بین‌المللی و رسیدگی به صورت عادلانه به دوسیه‌های آنان، در حد زیادی بستگی به عملکرد و دقت خارنوالی و به‌ویژه جناب خارنوال خواهد داشت. بنابراین، می‌طلبد که مجمع دولت‌های عضو، در انتخاب خارنوال و معاونان وی نهایت دقت را مبذول دارند. این نکته نیز نباید فراموش شود که در صورت نقض شدید در وظایف خارنوال و معاونان وی، به‌موجب اساسنامه با رأی اکثریت مطلق مجمع دولت‌های عضو برکنار می‌شوند؛ البته این روند در مورد معاونان خارنوال در صورتی اعمال می‌شود که قبلاً دادستان توصیه کرده باشد.

الف) کتاب ها

۱. آخوندی، محمود، (۱۳۷۹)، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات اشراق دانشگاه قم.
۲. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۶)، حقوق بین الملل کیفری، گزیده مقالات، تهران، انتشارات نشر میزان.
۳. آشوری، محمد (۱۳۸۹)؛ آیین دادرسی کیفری، ج ۲، تهران، سمت، چاپ چهارم.
۴. زکوی و بابایی، مهدی و کوروش، (۱۳۹۴)، وظایف و اختیارات دادستان دیوان کیفری بین المللی، تهران، مجد.
۵. ساک کیتی چایساری، کریانگ، (۱۳۸۷) حقوق کیفری بین المللی، مترجم: حسین آقای جنت مکان، تهران، جنگل - جاویدانه، چ ۲.
۶. ساک کیتی، شیایزری کریانگ، (۱۳۸۳) حقوق بین المللی کیفری، مترجم: بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران، سمت، چ ۱.
۷. شبت، ویلیام ا، (۱۳۸۴)، مقدمه بردیوان کیفری بین المللی، ترجمه سید باقر میر عباسی و حمید الهویی نظری، چاپ اول، انتشارات جنگل.
۸. شریعت باقری، محمد جواد (۱۳۹۰)؛ اسناد دیوان کیفری بین المللی، تهران، انتشارات جنگل.
۹. صادقی، حسین میر محمد (۱۳۹۰)، حقوق جزای بین الملل، تهران، نشر میزان، چاپ سوم.
۱۰. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۵)؛ دادگاه کیفری بین المللی تهران، دادگستر.
۱۱. مؤمنی، مهدی (۱۳۹۳)؛ حقوق بین الملل کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی.

ب) مقالات

۱. آقایی جنت مکان، حسین، (۱۳۸۷)، نظارت قضایی بر تشخیص دادستان کیفری بین المللی، مجله ی حقوقی بین المللی، شماره ۳۹.

۲. صابر، محمود، (۱۳۸۸)، آیین تعقیب جنایات در دادسرای دیوان کیفری بین المللی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳۲.

ج) منابع لاتین و وب سایت ها

1. <http://www.icc-cpi.int/Pressrelease.details&id=۳۳&۱=en.html>
2. Statement by the chief prosecutor on the Uganda arrest warrants, The Hague, ۱۴ October, 2005, available at: www.icc-cpi.int.
3. <http://www.Icc-cpi.int/pressrelease.details&id=۸۷۸۱=en.Html>.
4. <http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC/Situations+and+cases/Situations>.





Scientific-research Quarterly Journal Law
Knowledge Of
Khatam Al-Nabieen University

Volume 2, Issue 4, smmer 2024



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سال دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۴۰۳



۹۲

